Islamic Sciences and culture Academy
Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

# Ontological Analysis and Theoretical Opposition of Historical Traditions in the Thought of the Mujahid Martyr, Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei*

**Maryam Saeedyan Jazi**
Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Ahl al-Bayt Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

## Abstract

This study investigates the ontological foundations of historical traditions in the thought of Ayatollah Khamenei and elucidates their relationship with secular and materialistic approaches. Conducted with a qualitative approach and a descriptive-analytical method, research data were gathered from written documents and official statements, and analyzed through qualitative content analysis. The findings indicate that the ontology of historical traditions in Ayatollah Khamenei's intellectual system is anchored upon principles such as monotheism, divine justice and wisdom, as well as human free will. Accordingly, divine traditions can be expounded across both generative and legislative realms. From this perspective, historical traditions are neither material nor repetitive patterns; rather, they are divine laws shaped upon the will and wisdom of God, the realization of which depends on human agency and conscious action. Such a conception differs



* **Cite this article** Saeedyan Jazi, M. (2026). Ontological Analysis and Theoretical Opposition of Historical Traditions in the Thought of the Mujahid Martyr, Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei. *Islam and Social Studies*, *14*(2), pp. 30-54.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75087.2238

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy
▣ **Received:** 2025/12/26 ● **Revised:** 2026/02/26 ● **Accepted:** 2026/04/30 ●**Online Publication:** 2026/06/22

© 2026
authors retain the copyright and full publishing rights

fundamentally from determinisitic theories prevalent in secular thought, which downplay or disregard the role of the human agent in the formation of historical trends.

**Keywords**
Historical Traditions, Monotheistic Ontology, Grand Ayatollah Khamenei, Divine Laws, Human Agent.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

# تحلیل هستی‌شناختی و تقابل نظری سنن تاریخی در اندیشه شهید مجاهد آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رحمه‌الله*

مریم سعیدیان جزی
دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

## چکیده

این پژوهش به بررسی مبانی هستی‌شناختی سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و تبیین نسبت آن با رویکردهای سکولار و مادی‌گرا می‌پردازد. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های پژوهش از اسناد مکتوب و بیانات رسمی ایشان گردآوری و با برداشت از تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هستی‌شناسی سنن تاریخی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بر اصولی مانند توحید، عدل و حکمت الهی و نیز اختیار انسان استوار است. بر این اساس، سنن الهی را می‌توان در دو ساحت تکوینی و تشریعی تبیین کرد. از این منظر، سنن تاریخی، الگوهای مادی و تکرارشونده نیستند؛ بلکه قوانین الهی هستند که بر پایه اراده و حکمت خداوند شکل گرفته و تحقق آن‌ها به نقش‌آفرینی و کنش آگاهانه انسان وابسته است. چنین برداشتی با نظریه‌های جبرگرایانه رایج در اندیشه سکولار که نقش عامل انسانی را در شکل‌گیری روندهای تاریخی کم رنگ یا نادیده می‌گیرند، تفاوت بنیادین دارد.

## کلیدواژه‌ها

سنن تاریخی، هستی‌شناسی توحیدی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، قوانین الهی، عامل انسانی.

* سعیدیان جزی، مریم. (۱۴۰۵). تحلیل هستی‌شناختی و تقابل نظری سنن تاریخی در اندیشه شهید مجاهد آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۴(۲)، صص ۳۰-۵۴.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.75087.2238

**نوع مقاله:** پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۵ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۲/۱۰ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

۱۴۰۵ © «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

## مقدمه

اندیشه سیاسی و اجتماعی آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای را می‌توان به عنوان یکی از منظومه‌های فکری منسجم و اثرگذار در دوران کنونی برشمرد که بر مبانی هستی‌شناختی توحیدی استوار است. در این چارچوب، سنن الهی به مثابه قوانین ثابت، نظام‌مند و حاکم بر تحولات تاریخ و جوامع انسانی بشمار می‌روند. این سنن ریشه در اراده، حکمت و عدل خداوند دارند و تحقق عملی آنها در گروه کنشگری آگاهانه انسان و مؤلفه‌هایی مانند ایمان، بصیرت، صبر و مقاومت است.

پرسش محوری پژوهش حاضر این است که مبانی هستی‌شناختی سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست و این مبانی چگونه در تقابل رویکردهای مادی‌گرا و سکولار قرار می‌گیرند؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که سنن تاریخی در این اندیشه بر اصولی مانند توحید، عدل الهی، حکمت الهی و اختیار انسان بنا شده و با جبرگرایی تاریخی و نادیده‌انگاشتن عاملیت انسانی در نظریه‌های سکولار در تضاد است.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که با گسترش گفتمان‌های سکولار و پست مدرن در باب تاریخ و قدرت، بازخوانی مبانی هستی‌شناختی اندیشه اسلامی برای مدیریت بحران‌های تاریخی و ارائه الگوهای بومی ضروری می‌نماید.

## ۱. پیشینه پژوهش

مرور ادبیات پژوهشی مرتبط با اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که مطالعات پیشین به‌طورعمده در چهار حوزه متمرکز شدند. نخست، مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی؛ دوم، سنن الهی و کارکردهای اجتماعی-سیاسی آن؛ سوم، مبانی نظری جامعه اسلامی و تمدن‌سازی و چهارم، مفاهیم بصیرت و ساختار قدرت. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل هستی‌شناختی سنن تاریخی و تقابل نظری آن با رویکردهای سکولار، از مطالعات پیشین متمایز می‌گردد.

در حوزه مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی، میرچراغ‌خانی و معینی‌پور (۱۳۹۸) با تبیین فرایند چهارمرحله‌ای شناخت در اندیشه ایشان، بر تلفیق داده‌های تجربی با ارزیابی

عقلانی و هدایت وحیانی تأکید ورزیدند؛ همچنین باقری و کمالی‌زاده (۱۴۰۰) بر نقش محوری هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی در شکل‌گیری تلقی از جامعه اسلامی تمرکز کردند. مطالعات یادشده بیشتر بر ساختار معرفتی تمرکز داشته و به تحلیل ماهوی سنن تاریخی و نسبت تقابلی آن با رویکرد سکولار نپرداخته است.

در حوزه سنن الهی و کارکردهای آن، پژوهش‌های انجام شده به بررسی طبقه‌بندی و کاربرد این سنن پرداخته‌اند. رضوی و جوهری (۱۴۰۱) با تحلیل نظام‌مند آیات، سنن را به دو ساحت تکوینی و تشریعی تقسیم کردند. کهوند (۱۴۰۴) بر اهمیت بکارگیری سنن الهی در حکمرانی اسلامی تأکید کرده است. رفیق و خیری (۱۴۰۱) نیز طیفی از کارکردهای سنن مانند عزت، قدرت، مقاومت، معنویت، عدالت و بصیرت را برشمردند. از سوی دیگر، جعفری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) با رویکرد کاربردی، نقش شناخت سنن را در پیشگیری از بروز دگرگونی در انقلاب اسلامی تبیین کردند. این پژوهش‌ها از تبیین مبانی هستی‌شناختی حاکم بر این سنن و تقابل آن‌ها با نظریه‌های سکولار بازماندند.

در حوزه بصیرت، تاریخ و ساختار قدرت، مطالعات به بررسی مؤلفه‌های هدایت‌گر پرداختند. میار و رمضانی (۱۳۹۱) و طاهری (۱۳۹۱) نقش تعیین‌کننده بصیرت را در تقابل تاریخی حق و باطل مورد توجه قرار دادند؛ همچنین در مجموعه بیانات گردآوری‌شده در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۹۴)، بر اهمیت بصیرت تاریخی و نگرانی از کاهش آن در نسل جوان تأکید شده است. مهاجرنیا و کریمی (۱۳۹۱) و یوسفی (۱۳۹۹) به بررسی مشروعیت الهی-مردمی و ظرفیت‌های نظام ولایت در مدیریت بحران‌های اجتماعی پرداختند.

با مرور این پیشینه، می‌توان گفت پژوهش‌های پیشین بر ابعاد معرفتی و تربیتی یا کارکردهای سیاسی و حکمرانی تمرکز داشتند و پیوند میان مبانی هستی‌شناختی و کنشگری انسان در بستر سنن تاریخی با رویکردهای مادی‌گرا واکاوی نشده است. پژوهش حاضر با هدف پرکردن این شکاف، از پنج جهت با مطالعات پیشین متمایز می‌گردد: نخست، تحلیل مبانی هستی‌شناختی سنن تاریخی. دوم، بررسی تقابل نظری این سنن با نظریه‌های سکولار و مادی‌گرای تاریخ. سوم، تبیین رابطه میان ساختار قدرت و سنن اجتماعی. چهارم، بررسی نقش عاملیت و کنشگری انسان در تحقق وعده‌های الهی و

پنجم، تبیین جایگاه معرفتی بصیرت در فهم و تحقق سنن. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه الگوی نظری است که میان ثبات و قطعیت سنن الهی، اراده و کنشگری انسان پیوند ایجاد می‌کند.

## ۲. چارچوب نظری و مفهومی

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای هستی‌شناسی توحیدی شکل گرفته بر پایه قرآن کریم، سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام و با تمرکز بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شده است.

در اندیشه اسلامی، سنن الهی به مجموعه قوانین ثابت و فراگیری اطلاق می‌شود که بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها حاکم هستند. قرآن کریم بر اثبات این قوانین تأکید می‌ورزد: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر، ۴۳). در همین راستا، امام علی علیه‌السلام نیز با اشاره به تداوم قواعد حاکم بر تاریخ، بر شباهت الگوهای رفتاری جوامع در طول زمان صحه می‌گذارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). سنن الهی به دو دسته تقسیم می‌شوند: سنن تکوینی و سنن تشریعی. سنن تکوینی، قوانین ثابت و غیرمشروطی هستند که بر جهان مادی و معنوی حکومت می‌کنند و مستقل از اراده انسان عمل می‌کنند. سنن تشریعی، قوانینی هستند که تحقق آنها به نیت، انتخاب و عمل آگاهانه انسان وابسته است و بدون فراهم‌شدن شرایط لازم از سوی او، به فعلیت نمی‌رسند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۲۴۵).

امام خمینی رحمه‌الله معتقد است رابطه مستقیمی میان تحول درونی انسان‌ها و تحولات اجتماعی وجود دارد و تغییر در سرنوشت جوامع از تحول در نگرش‌ها، باورها و رفتارهای افراد آغاز می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج۱۰، صص ۱۲۸-۱۳۰)؛ همچنین، ایشان تحقق پیروزی مؤمنان را وابسته به عواملی همچون ایمان، یاری خداوند و وحدت اجتماعی می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج۷، ص ۳۴۸). تجربه انقلاب اسلامی در این چارچوب به عنوان نمونه‌ای از تحقق سنت‌های الهی در عرصه اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرد (شاه بیگی، ۱۳۹۶/۰۳/۲۷).

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، سنن الهی قوانینی واقعی، پایدار و جاری در عالم هستی هستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۲۴۵). ایشان معتقدند همان‌گونه که جهان طبیعت تحت قوانین مشخصی اداره می‌شود، جوامع انسانی نیز از قواعد و قوانینی برخوردار هستند که مسیر تحولات تاریخی را شکل می‌دهند. این قوانین اگرچه همواره قابل مشاهده مستقیم نیستند

اما آثار و نتایج آن در تاریخ و حیات اجتماعی انسان آشکار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

بر اساس تحلیل دیدگاه ایشان، تحقق وعده‌های الهی محصول تعامل میان اراده الهی، علل طبیعی و کنش آگاهانه انسان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای پیروزی حق بر باطل را یکی از سنن قطعی تاریخ دانسته و تحقق آن را وابسته به ایستادگی، مقاومت و عمل آگاهانه جبهه حق می‌دانند. از این منظر، وعده‌های الهی در صورتی به فعلیت می‌رسند که انسان زمینه تحقق آن‌ها را فراهم نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵).

در این چارچوب، ایمان، اعتماد به وعده الهی، صبر، مقاومت، جهاد، اخلاص و وحدت از مهم‌ترین شرایط تحقق سنن الهی به شمار می‌آیند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۹/۰۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶).

علاوه بر این، آزمون‌های الهی بخش جدائی ناپذیر از فرایند تحقق این سنن هستند که به تمایز میان مؤمنان راستین و دیگران منجر می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص ۱۴۵-۱۴۶ و نک: خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ص ۳۱). در مقابل، ظلم و فساد نیز مطابق سنت‌های الهی، پیامدهای تاریخی و اجتماعی خاص خود را به دنبال دارند و سرانجام به سقوط و مجازات ظالمان می‌انجامند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۷۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص ۵۷۰-۵۷۱).

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، بصیرت از جایگاه محوری برخوردار است. در این رویکرد، ایمانی که فاقد بصیرت باشد ممکن است به انحراف منجر شود و توانایی تشخیص مسیر صحیح را از فرد سلب کند. بصیرت به افراد و جوامع کمک می‌کند تا منافع واقعی خود را شناسایی کند، تهدیدها را به موقع تشخیص دهند و در مسیر تحقق اهداف الهی گام بردارند (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۵؛ امام خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۸/۰۸)؛ ازاین‌رو، بصیرت به مثابه شرط لازم برای فهم صحیح سنن الهی و بهره‌گیری مؤثر از آن‌ها در عرصه اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید بر عاملیت انسان است. این رویکرد مورد توجه امام خمینی﵀ نیز قرار داشت (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج۱۵، صص ۶۹-۷۰). برخلاف رویکردهای جبرگرایانه، آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند تحقق وعده‌های الهی مستلزم تلاش، مقاومت، برنامه‌ریزی و کنش آگاهانه انسان است. پیروزی حق بر باطل وعده صادق است؛ اما در صورتی تحقق می‌یابد که جبهه حق از ظرفیت‌های

مادی و معنوی خود به درستی بهره گیرد و مسیر صحیح را با صبر، استقامت، توکل و عقلانیت دنبال کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۰۸).

در این منظومه فکری، ولایت نقشی محوری در تحقق سنن الهی ایفا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۲۲، ص ۲۳۲؛ امام خمینی، ۱۳۹۰، ص ۱). حاکمیت از آن خداوند است و مشارکت و پذیرش مردم، زمینه فعلیت‌یافتن این حق را فراهم می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۴۱۲). در همین راستا، ولایت فقیه به‌عنوان استمرار ولایت معصومان علیهم‌السلام در عصر غیبت، ساز وکاری برای هدایت جامعه در مسیر تحقق ارزش‌ها و سنن الهی محسوب می‌شود و ولایت نه فقط یک ساختار سیاسی، بلکه بستر تحقق قوانین و سنت‌های الهی در عرصه اجتماعی و تاریخی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۶/۰۷).

## ۳. روشن‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. هدف اصلی، تبیین مبانی هستی‌شناختی سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و بررسی نسبت آن با رویکردهای سکولار و مادی‌گرای تاریخ است. داده‌های پژوهش از روش مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. منابع اصلی شامل: بیانات، آثار مکتوب و منتشرشده آیت‌الله خامنه‌ای است. تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. مفاهیم و مضامین مرتبط استخراج گردید. سپس در مقوله‌های کلان طبقه‌بندی شدند و با بهره‌گیری از تحلیل مفهومی، روابط میان مقوله‌های و جایگاه هر یک در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای تبیین و چارچوب منسجم برای فهم مبانی سنن تاریخی و سازوکار تحقق آن‌ها در عرصه تحولات اجتماعی و سیاسی ارائه گردید. در ادامه یافته‌های پژوهش از طریق مقایسه مفهومی با برخی رویکردهای سکولار و مادی‌گرا، وجوه تمایز و تقابل نظری آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

### ۳-۱. تبیین هستی‌شناختی سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله

#### ۳-۱-۱. مبانی توحیدی و ماهیت سنن الهی

مطالعه منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که از منظر ایشان، تاریخ فرایندی تصادفی و فاقد جهت نیست و دارای نظم غایت‌مند و برخوردار از حکمت است. حرکت

کلی تاریخ به سوی غلبه نهایی حق بر باطل پیش می‌رود. ایشان در تبیین این قاعده تصریح می‌کند: «شک نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه حق از نیروی مادی و معنوی خویش به‌گونه‌ای درست بهره بگیرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۱/۸).

قید شرط، بیانگر پیوند ناگسستنی میان سنن الهی و کنشگری انسان در اندیشه ایشان است. در این‌باره باید میان دو ساحت تمایز نهاد: نخست، اصل سنت که به مثابه قاعده ثابت و تغییرناپذیر از اراده الهی نشأت گرفته است. دوم، شرایط تحقق که فعلیت‌یافتن سنت در ساحت تاریخ به فراهم‌شدن آن وابسته است. به بیان دیگر، قطعیت سنت الهی به آن معنا است که در صورت تحقق شرایط لازم، نتیجه حتمی به دست می‌آید. این منطق، مشابه ساختار قوانین طبیعی است چنان‌که قانون جاذبه به عنوان اصلی ثابت عمل می‌کند، اما تحقق سقوط جسم، مشروط به وجود شرایط معینی نظیر نبود مانع و حضور نیروی کافی است. براین‌اساس، ثبات سنت به معنای ثبات اصل آن و جریان حتمی آن در طول تاریخ است، نه نفی نقش فاعلی انسان. این رویکرد، تلفیقی از اراده مطلقه الهی و عاملیت آگاهانه انسانی را ترسیم می‌کند.

از منظر هستی‌شناختی، سنن الهی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای فراتر از قوانین طبیعت و دارای چند ویژگی متمایز هستند. قوانین طبیعت الگوهای تکرارشونده و روابط تجربی میان پدیده‌های مادی هستند که در ساحت محسوسات جریان دارند؛ اما سنن الهی، نخست منشأ متعالی دارند و بر اراده و حکمت الهی استوار هستند. دوم، ساحت اجتماعی و ساحت فردی حیات انسان و ابعاد معنوی و اخلاقی را نیز شامل می‌شوند. سوم، میان ابعاد غیبی و متافیزیکی واقعیت با ساحت تجربه تاریخی پیوند برقرار می‌کنند. بهره‌گیری از قیاس با قوانین طبیعت در کلام ایشان، به‌منظور تبیین نظام‌مندی و عدم‌انفعال حیات اجتماعی در برابر کنش‌های انسانی است چنان‌که حیات فردی و اجتماعی نیز همچون عالم تکوین، تحت حاکمیت هدف‌مند جریان دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

### ۳-۱-۲. تعامل اراده الهی و کنش انسانی

آیت‌الله خامنه‌ای برای تبیین چگونگی این تعامل، از تمثیل قوانین طبیعی بهره می‌گیرند:

«وقتی که ما زمینه این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم می‌کند. آتش سوزندگی دارد، باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، جسم غیر مرطوب را روی آتش بگیرید، آتش خواهد گرفت؛ زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹). این استعاره، نسبت میان قانون‌مندی الهی و عملکرد انسانی را تبیین می‌کند.

سنن الهی از ثبات برخوردار هستند، اما فعالیت آثار آن‌ها، مشروط به بستر انتخاب‌های انسانی است؛ بنابراین، تاریخ در این دیدگاه، نه محصول جبر مطلق و نه کاملا رها از قانون‌مندی است؛ بلکه نتیجه تعامل میان قوانین الهی و عاملیت آگاهانه انسان است. بدین‌سان نقش انسان، مؤلفه‌ای جزءناپذیر در سازوکار تحقق سنت‌های الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

### ۳-۱-۳. وحی، تجربه تاریخی و آزمون الهی

نسبت میان وحی و تجربه تاریخی از مؤلفه‌های مهم این دیدگاه است. در اندیشه آیت‌الله خامنه ای، وحی منبع اصلی شناخت سنن الهی به شمار می‌رود و تجربه تاریخی، عرصه‌ای برای مشاهده مصادیق و تجلیات عینی سنت‌ها است؛ ازاین‌رو، رخدادهای تاریخی تنها مجموعه‌ای از حوادث پراکنده و تکراری نیستند و در پرتو سنن الهی قابل فهم، تفسیر و طبقه‌بندی هستند.

### ۳-۱-۴. بصیرت، رهبری و نقش عاملیت انسان

ایشان با اشاره به سنت ابتلا، بر این نکته تأکید دارند که آزمون‌های مستمر تاریخی، زمینه تمایز میان مؤمنان حقیقی و پیروان ظاهری حق را فراهم می‌سازد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰، ص ۳۱). آزمون‌های اجتماعی، کارکرد تربیتی، تفکیکی و هدایتی دارند و بخشی از نظام سنن الهی به شمار می‌آیند؛ بنابراین، نظریه سنن تاریخی در این دیدگاه بر وجود نظمی فراتر از تجربه استوار است که در آن وحی، ارزش‌های اخلاقی و اراده انسانی، سه رکن اصلی در فهم تاریخ به‌شمار می‌روند.

یکی از ارکان اصلی این نظریه، تأکید بر نقش تعیین‌کننده اراده و انتخاب انسان است.

برخلاف رویکردهای جبرگرایانه که تحولات را محصول نیروهایی بیرون از اراده انسان می‌دانند، در این دیدگاه، تحقق وعده‌های الهی مشروط به کنش آگاهانه، ایمان، مجاهدت، صبر، مقاومت و پایداری است(خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴).

در این رویکرد، بصیرت و رهبری نقش محوری ایفا می‌کنند و ضعف تحلیل و ناتوانی در فهم واقعیت‌های تاریخی، از عوامل اصلی انحراف جوامع و شکست حرکت‌های اصلاحی دانسته می‌شود(خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). بصیرت، صرفا آگاهی نظری نیست؛ بلکه به توانایی تشخیص موقعیت، شناخت روندها، ارزیابی نیروهای مؤثر و انتخاب مسیر صحیح در شرایط سخت اشاره دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹). در این چارچوب، رهبر نقشی فراتر از مدیریت سیاسی دارد. او با اتکا به بصیرت و قدرت تحلیل، امکان فهم سنتهای حاکم بر تحولات اجتماعی را فراهم می‌سازد و جامعه را در مسیر تحقق اهداف الهی هدایت می‌کند؛ بنابراین، رهبری عنصر فعال و اثرگذار در جهت‌دهی به تحولات تاریخی است.

### ۳-۱-۵. نگاه تمدنی و فرا ملی

آیت‌الله خامنه‌ای، سنن الهی را قوانین حاکم بر روندهای کلان تاریخی به شمار می‌آورند. از این منظر، ظهور، رشد، اقتدار و افول جوامع تابع قواعد ثابتی است که ریشه در اراده الهی دارند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰). عواملی چون عدالت، ایمان و مقاومت سبب تعالی و پیشرفت هستند چنانکه ظلم و فساد، زمینه افول را فراهم می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

ایشان با عبور از نگاه محدود ملی و سیاسی به افق تحولات تمدنی توجه دارند. غایت این رویکرد، تحقق جایگاه تاریخی امت اسلامی و ایفای نقش تمدنی در هدایت تاریخ است. چنان‌که می‌فرماید: «وعده الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یک شبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴). این امر نشان می‌دهد که این نظر رویکرد تمدنی و فراملی دارد و با قرائت‌های ناسیونالیستی از تاریخ سازگار نیست.

### ۳-۱-۶. توازن میان جبر و اختیار

تحلیل نسبت جبر و اختیار در این دیدگاه نشان می‌دهد که پاسخ به پرسش «اگر قوانین

تاریخی حتمی هستند، آیا انسان می‌تواند تاریخ را تغییر دهد؟» در مفهوم کنشگری آگاهانه نهفته است. قوانین تاریخی از سنخ قوانین مشروط و اقتضایی هستند، یعنی مسیرهای تحقق را مشخص می‌کنند و نحوه فعلیت‌یافتن آن‌ها وابسته به انتخاب و اراده انسان است؛ ازهمین‌رو، مدیریت سنن الهی از روش آگاهانه بحران‌ها و شرایط تاریخی امکان‌پذیر می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله مسائل کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم، این نگاه کلان، به ما معرفت و بصیرتی را عطا میکند که اولاً موقعیت خودمان را... در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم؛ بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۶/۰۷).

تاریخ تابعی از هم افزایی سنن الهی و عاملیت انسانی است. سنت‌ها چارچوب و اصول اساسی را تعیین می‌کنند و اراده انسانی جهت‌گیری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهد که می‌تواند شدت یا جهت حرکت تاریخی را تعدیل کند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه تأکید می‌کنند: «هرچه مخلصانه‌تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می‌کند.هرچه به خدا نزدیکتر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می‌بینید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۰۴). این بیان، نشان می‌دهد که خلوص و تقرب به خدا به افزایش بصیرت منجر می‌شود و بصیرت، لازمه شناخت و فهم عمیق سنن الهی در ساحت تاریخ است.

بنابراین، نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بر الگوی تعاملی سنت‌ها و عاملیت استوار است. در این الگو، سنن الهی چارچوب‌های ثابت و جهت‌گیری‌های کلان تاریخ را مشخص می‌کنند و عاملیت انسانی، نحوه و چگونگی تحقق این ظرفیت‌ها را در عرصه اجتماعی و سیاسی رقم می‌زند. بدین‌ترتیب در این دیدگاه، نه جبر تاریخی و نه اراده انسان، مستقل و رها از هرگونه قاعده و نظم فراگیر پذیرفته می‌شود.

### ۳-۲. تقابل نظری سنن تاریخی با رویکردهای سکولار و مادی‌گرا

#### ۳-۲-۱. مقایسه تطبیقی سنن تاریخی و نظریه ماتریالیسم تاریخی

یکی از مهم‌ترین رقبای نظری در تبیین قانون‌مندی تاریخ، ماتریالیسم تاریخی کارل

مارکس است. این نظریه به عنوان یکی از ارکان فلسفه تاریخ مارکس، تحولات جوامع انسانی را عمدتاً از طریق شرایط مادی زندگی، شیوه‌های تولید و مناسبات اقتصادی تبیین می‌کند (مارکس و انگلس، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷). مارکس در کتاب دیگرش تصریح می‌کند انسان‌ها در جریان تولید اجتماعی وارد روابطی می‌شوند که مستقل از اراده آنان است و با سطح معینی از نیروهای مولد مادی تناسب دارد. این مجموعه روابط، ساختار اقتصادی جامعه را می‌سازد که زیربنای نهادهای حقوقی، سیاسی و فکری بر آن استوار است (Marx, 1977, pp. 20-21).

هر دو دیدگاه، بر وجود الگوها و قواعد حاکم بر تحولات تاریخی تأکید دارند؛ همچنین هر دو برای تاریخ نوعی قانونمندی، جهت‌مندی و نقش تعیین کننده تقابل در شکل‌گیری رویدادها قائل هستند (قاضیان، ۱۳۹۴، ص۱۶). با این وجود، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این دو نظریه با هم تفاوت دارند که عبارتند از:

**۳-۲-۱-۱. محرک تاریخ: تضاد طبقاتی در برابر سنن الهی**

در ماتریالیسم تاریخی، تاریخ فرایندی قانون‌مند است که محرک اصلی آن تضاد میان نیروهای مولد و روابط تولید است. زمانی که روابط تولید موجود با سطح رشد نیروهای مولد سازگار نباشند زمینه دگرگونی اجتماعی فراهم می‌شود. در این چارچوب، مبارزه طبقاتی به عنوان موتور محرک تاریخ ظاهر می‌شود و این دو بر هم اثر متقابل دارند (مارکس و انگلس، ۱۳۸۹، صص ۲۸۹-۲۸۷)؛ بنابراین منشأ تحولات در مناسبات مادی، ساختارهای اقتصادی و تضادهای طبقاتی است. این نظریه، تاریخ را تابع قوانین درون‌جهانی و مادی می‌داند (نراقی، ۱۳۵۸).

این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای منشأ اصلی تحولات تاریخی را سنن الهی می‌دانند که ریشه در اراده و حکمت الهی دارد. از این منظر، اگرچه عوامل مادی بخشی از واقعیت تاریخی را تشکیل می‌دهند؛ اما نمی‌توانند تبیین‌کننده نهایی و انحصاری روندهای تاریخی باشند.

**۳-۲-۱-۲. جایگاه انسان: جبر ساختاری در برابر عاملیت آگاهانه**

تفاوت مهم دیگر به جایگاه انسان در فرایند تاریخ باز می‌گردد. در ماتریالیسم تاریخی،

آگاهی انسان و اندیشه‌های او تا حد زیادی بازتابی از شرایط مادی و موقعیت طبقاتی او تلقی می‌شود (مارکس و انگلس، ۱۳۸۹، صص ۲۸۶ -۲۸۷). از این منظر، ساختارهای اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری اندیشه‌ها و نهادهای سیاسی دارند.

در نظریه سنن تاریخی، تحقق بسیاری از قواعد الهی مشروط به اراده، انتخاب و عملکرد آگاهانه انسان است. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر مفاهیمی مانند ایمان، بصیرت، مقاومت و مجاهدت، بر نقش عاملیت انسانی در تحقق وعده‌های الهی تأکید می‌ورزد. بنابراین، تحولات تاریخی حاصل تعامل میان سنن الهی (امکان) و کنش آگاهانه انسان‌ها (تحقق) هستند.

**۳-۲-۱-۳. غایت تاریخ: جامعه بی‌طبقه در برابر غلبه حق بر باطل**

تفاوت سوم به غایت تاریخ مربوط می‌شود. در نظریه مارکس، غایت نهائی، گذار از جامعه طبقاتی و تحقق جامعه کمونیستی است که در آن استثمار اقتصادی و سلطه طبقاتی ریشه کن شده و مالکیت خصوصی جای خود را به مالکیت اشتراکی می‌دهد. ماتریالیسم تاریخی در پی آن است تا با ارائه تحلیل تاریخی ساختارمحور، نقش عوامل اقتصادی را در فهم تاریخ برجسته سازد.(Lichtheim, 1964, p. 158)

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، غایت تاریخ در چارچوب تحقق عدالت الهی، عزت مؤمنان و غلبه نهایی حق بر باطل معنا می‌یابد. این امر برگرفته از تفسیر ایشان از وعده‌های الهی و سنت نصرت مؤمنان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، صص ۱۵۶–۱۵۸؛ نیز نک: خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۴)؛ بنابراین غایت تاریخ و مبانی تحقق آن در هر دو نظریه کاملا متفاوت است.

**۳-۲-۱-۴. منشأ تقابل: اقتصاد در برابر حق و باطل**

همچنین مفهوم تقابل تاریخی در این دو نظریه، از خاستگاه‌های متفاوت ناشی می‌شود. در مارکسیسم، تعارض اصلی میان طبقات اجتماعی و منافع اقتصادی آن‌ها شکل می‌گیرد. در حالی که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تقابل میان جبهه حق و جبهه باطل مطرح است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹) و ابعاد اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد و صرفا به عوامل اقتصادی خلاصه نمی‌شود.

برآیند این بررسی نشان می‌دهد که اگرچه ماتریالیسم تاریخی مارکس و نظریه سنن تاریخی، هر دو برای تاریخ نوعی قانونمندی و جهت‌مندی قائل هستند اما مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی آن‌ها به دو رویکرد متفاوت تعلق دارد. در ماتریالیسم تاریخی، منشأ تحولات در ساختارهای اقتصادی، مناسبات تولید و تعارض‌های طبقاتی است و فهم تاریخ بیشتر در چارچوب عوامل مادی انجام می‌شود. نیروی محرک، مبارزه طبقاتی و غایت، تحقق جامعه بی‌طبقه است.

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، قانون‌مندی تاریخ ریشه در سنن الهی دارد و تحولات تاریخی در پرتو تعامل میان اراده الهی و عاملیت انسانی تبیین می‌شوند. در این رویکرد، محور تحولات، تقابل حق و باطل و غایت آن، تحقق عدالت الهی و عزت مؤمنان است؛ بنابراین، نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان صورت‌بندی متمایز در فلسفه تاریخ اسلامی دانست که تبیینی فراتر از رویکردهای مادی و ساختارمحور ارائه می‌کند.

### ۳-۳. مقایسه تطبیقی سنن تاریخی نظریه پایان تاریخ فوکویاما

در ادامه بررسی تقابل نظریه سنن تاریخی با رویکردهای سکولار، دیدگاه «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما، به عنوان یکی از نظریه‌های اثرگذار در تبیین سیر حرکت تاریخ مطرح می‌شود. فوکویاما در کتاب پایان تاریخ و انسان (۱۳۹۳)، مقالات «تاریخ بدون پایان» (۱۳۸۳) و «آینده تاریخ» (۱۳۹۰) استدلال می‌کند که با افول ایدئولوژی‌های رقیب به‌ویژه کمونیسم، لیبرال دموکراسی غربی به نقطه اوج و تکامل ایدئولوژیک و سیاسی بشر بدل شده است. از منظر فوکویاما (۱۳۸۱)، تاریخ به مثابه فرایند تکامل اندیشه‌های سیاسی شناخته می‌شود که غایت آن، تثبیت لیبرال دموکراسی به عنوان معتبرترین و فراگیرترین الگوی حکمرانی در جهان مدرن است.

در نگاه نخست، میان نظریه فوکویاما و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره سنن تاریخی، به ظاهر اشتراک مفهومی در غایت انگاری تاریخ وجود دارد. هر دو، تاریخ را فرایند هدف‌مند و دارای قانونمندی مشخص می‌دانند. بااین‌حال تفاوت اصلی این دو دیدگاه در لایه‌های هستی‌شناختی است و غایت مورد نظر در هریک از رویکردهای سکولار و توحیدی، ماهیت متفاوت دارد.

### ۳-۳-۱. مبانی هستی‌شناختی تاریخ

در نظریه فوکویاما (۱۳۹۳)، نیروی پیشران تاریخ، تحول اندیشه‌های سیاسی و تلاش برای دست یابی به آزادی و شناسایی اجتماعی است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جهت‌گیری تاریخ بر محور سنن الهی استوار است و غایت تاریخ، تحقق عدالت و حاکمیت ارزش‌های الهی و غلبه نهایی حق است.

### ۳-۳-۲. شاخص‌های پیشرفت

فوکویاما (۱۳۹۳)، پیشرفت تاریخی را با شاخص‌هایی مانند توسعه نهادهای لیبرال دموکراتیک، حکمرانی قانون و کارآمدی اقتصاد بازار می‌سنجد و جوامعی را پیشرفته می‌داند که همسو با الگوهای غربی باشند. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت مفهومی فراتر از شاخص‌های سیاسی و اقتصادی دارد. عدالت‌خواهی، تعمیق معنویت و پایبندی به ارزش‌های الهی، ارکان اساسی پیشرفت تاریخی به شمار می‌آیند.

### ۳-۳-۳. جایگاه دین

در نظریه پایان تاریخ فوکویاما (۱۳۹۳)، دین در عرصه عمومی نادیده گرفته نمی‌شود؛ اما مسیر تکامل نهایی اندیشه‌های سیاسی، به‌طورعمده در چارچوب عقلانیت سکولار مدرن و نهادهای عرفی تعریف می‌شود. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، دین نه تنها بنیاد معرفتی درک تاریخ است؛ بلکه سنن الهی، وعده‌های قرآنی و نقش ایمان در کنش‌های جمعی به عنوان پیشران‌های اصلی و تعیین‌کننده سرنوشت جوامع انسانی عمل می‌کنند.

### ۳-۳-۴. افق مطلوب تحول تاریخی

فوکویاما (۱۳۹۳) استقرار لیبرال دموکراسی را پاسخی به مطالبات انسان مدرن برای آزادی و مشارکت دانسته و آن را به عنوان تصویر نهایی تکامل ایدئولوژیک معرفی می‌کند. فوکویاما در مقاله دیگری با عنوان «آیا تاریخ دوباره آغاز شده است» (فوکویاما و حجت، ۱۳۸۳) و نیز در مصاحبه خود با برنامه HARDtalk شبکه بی‌بی‌سی تأکید می‌کند که تحقق دموکراسی اجتناب‌ناپذیر نیست و نهادهای دموکراتیک شکننده هستند (Fukuyama, 2014).

از سوی دیگر، معیار سنجش کارآمدی یک نظام اجتماعی را تنها به رضایت مردم یا دستاوردهای سیاسی محدود نمی‌دانند بلکه بر این باورند که انطباق نظام با عدالت و سنت‌های الهی نیز بسیار مهم است (توانا، ۱۳۹۰). این مفهوم در آموزه مهدویت تجلی می‌یابد که آیت‌الله خامنه‌ای آن را «امید بزرگ تاریخ و امید بزرگ بشریت» می‌نامد (۱۴۰۱/۰۱/۰۱).

این مقایسه نشان می‌دهد که اگرچه هر دو نظریه بر غایت تاریخ تأکید دارند، اما به دو رویکرد متفاوت تعلق دارند. نظریه فوکویاما، از دل تحولات ایدئولوژیک تمدن غرب برخاسته و لیبرال دموکراسی را سرمنزل مقصود می‌داند. درحالی‌که اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به ویژه در حوزه سنت‌های تاریخی، نگاه کلان و الهیاتی است. حرکت تاریخ در تحقق غایات متعالی الهی معنا می‌یابد و از کاهش آن به عوامل مادی و ساختارهای سکولار فراتر می‌رود.

### ۳-۴. جمع‌بندی تطبیقی

مقایسه نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با ماتریالیسم تاریخی و نظریه پایان تاریخ، نشان می‌دهد که هر سه رویکرد، از برداشت‌های تصادفی نسبت به تاریخ فاصله می‌گیرند و نوعی قانون‌مندی برای تحولات اجتماعی قائل هستند؛ اما منشا این قانون‌مندی، جایگاه عاملیت انسانی و غایت نهایی تحولات تاریخی در آن‌ها تفاوت مبنایی دارد.

در هر سه نظریه، تاریخ واجد نظم، جهت و الگوهای نسبتاً پایدار است و تحولات اجتماعی تنها حاصل رویدادهای پراکنده و اتفاقی تلقی نمی‌شوند. بااین‌حال، منشأ قانون‌مندی در هر یک متفاوت است. در ماتریالیسم تاریخی، قانون‌مندی تاریخ از ساختارهای اقتصادی، شیوه‌های تولید و مناسبات طبقاتی ناشی می‌شود. در نظریه پایان تاریخ، جهت‌گیری تاریخ در چارچوب تکامل نهادهای سیاسی مدرن و گسترش جهانی لیبرال‌دموکراسی تفسیر می‌شود؛ اما در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، قانون‌مندی تاریخ ریشه در سنن الهی دارد و بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها اثرگذار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹؛ خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۲۴۵). از این منظر، تاریخ عرصه تحقق اراده الهی در تعامل با اراده و کنش انسان‌ها است.

تفاوت دیگر به عامل محرک تاریخ بازمی‌گردد. در نظریه مارکس، تعارض میان طبقات اجتماعی و منافع اقتصادی، موتور اصلی تحولات تاریخی محسوب می‌شود. در نظریه فوکویاما، مسیر تحول جوامع با گسترش عقلانیت سیاسی مدرن و پذیرش الگوی لیبرال دموکراسی تعیین می‌شود. در نظریه سنن تاریخی، نسبت میان ایمان و کفر، عدالت و ظلم و حق و باطل در کانون تحلیل قرار می‌گیرد. بدین‌سان، تاریخ صحنه رویارویی مستمر ارزش‌ها و هنجارها است و تحولات اجتماعی در پرتو این تقابل معنا می‌یابند (خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۰۶/۰۴).

در حوزه عاملیت انسانی نیز تمایزها قابل توجه است. در رویکرد کلاسیک ماتریالیسم تاریخی، کنش انسان در چارچوب شرایط عینی و ساختارهای اقتصادی دیده می‌شود. در نظریه فوکویاما، انسان به‌طورعمده در قالب شهروند نظام لیبرال و کنش‌گر عرصه سیاسی و مدنی ظاهر می‌شود اما در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، انسان موجودی مختار و مسئول است و تحقق بسیاری از سنن الهی به او وابسته است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۰۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ۱۵۶–۱۵۸)؛ بنابراین، دیدگاه سنن تاریخی از جبرگرایی اقتصادی مارکسیستی و فردگرایی سکولار لیبرالی فاصله می‌گیرد.

در سطح معرفت‌شناختی نیز اختلاف روشمند وجود دارد. مارکسیسم بیشتر بر تحلیل مادی روابط تکیه دارد و نظریه فوکویاما بر تجربه تاریخی مدرنیته و تحول نهادهای سیاسی استوار است. در نظریه سنن تاریخی، شناخت تاریخ تنها از رهگذر مشاهده روندهای اجتماعی حاصل نمی‌شود و وحی و آموزه‌های قرآنی در کنار تجربه تاریخی، مبنای فهم سنن الهی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین معرفت تاریخی، علاوه بر تجربه، پشتوانه الهیاتی دارد.

مهم‌ترین تمایز این سه رویکرد، تلقی آنان از غایت تاریخ است. در ماتریالیسم تاریخی، تاریخ به سوی جامعه فاقد طبقه و رفع استثمار اقتصادی حرکت می‌کند (Lichtheim, 1964, p.158). در نظریه پایان تاریخ، استقرار جهانی لیبرال دموکراسی آخرین مرحله تکامل سیاسی بشر تلقی می‌شود؛ اما در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، غایت تاریخ در تحقق اهداف متعالی خلقت و شریعت معنا می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، صص ۱۵۶–۱۵۸).

جمع‌بندی تطبیقی نشان می‌دهد که هر سه دیدگاه، تاریخ را تصادفی نمی‌دانند؛ اما منشأ قانون‌مندی، محرک تحولات، جایگاه عاملیت انسانی و غایت نهایی در آن‌ها متفاوت

است. ماتریالیسم بر مبانی مادی، لیبرالیسم بر مبانی سکولار و اندیشه مورد مطالعه بر هستی‌شناسی توحیدی استوار است.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی مبانی هستی‌شناختی سنن تاریخی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای و تبیین جایگاه آن در تقابل با گفتمان‌های سکولار و مادی‌گرای معاصر، نشان داد که هستی‌شناسی سنن تاریخی در این اندیشه، بر پایه مستحکم توحید، عدل الهی، حکمت و اختیار انسان استوار است. این سنن با جبر تاریخی تعارض دارند زیرا تحقق بسیاری از آنها، به ویژه در ساحت تشریعی، به اراده، انتخاب و کنش آگاهانه انسان وابسته است.

در این چارچوب نظری، سنن الهی به مثابه قوانین ثابت و فراگیری عمل می‌کنند که اگرچه ریشه در اراده مطلقه خداوند دارند، اما تحقق عینی و تاریخی آن‌ها به ویژه در ساحت سنن تشریعی، مشروط به بسترسازی‌های انسانی، ایمان، بصیرت و کنش‌گری آگاهانه مؤمنان است. این نگاه تعاملی، میان ثبات قوانین الهی و پویایی عاملیت انسانی تعادلی هوشمندانه برقرار می‌سازد که در آن تاریخ فرایند تصادفی یا محصول نیروهای مادی نیست؛ بلکه صحنه پیاده نمودن اراده الهی از طریق تلاش و مقاومت انسان‌های آگاه است.

یکی از نوآوری‌های پژوهش، تبیین رابطه میان بصیرت و رهبری به عنوان دو رکن کارکردی در فهم و تحقق سنن تاریخی بود. در این اندیشه، بصیرت شرط لازم برای تشخیص موقعیت‌شناسی درست در بستر تحولات کلان تاریخی و اجتناب از انحراف‌های راهبردی است و ولایت به عنوان استمرار ولایت معصومین علیهم‌السلام، نقش هدایت‌گری و سامان‌دهی را ایفا نموده و زمینه را برای هم افزایی ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه فراهم می‌آورد. بصیرت، کارکرد معرفتی و تاریخی برای تشخیص موقعیت دارد و ولایت، نهادی برای هدایت آگاهانه جامعه به سوی تحقق سنن الهی است. این دو مؤلفه ضامن پایداری جبهه حق در برابر توطئه‌های تاریخی و تحقق وعده‌های الهی مبنی بر غلبه نهایی حق بر باطل هستند؛ بنابراین مدیریت سنن الهی نیازمند عبور از نگاه سطحی و مقطعی و رسیدن به یک درک کل‌نگر و تمدنی از تاریخ است که در آن عزت و استکبارستیزی به‌عنوان

محورهای اصلی سیاست خارجی و درون‌زای تمدن اسلامی تعریف می‌شوند.

در بخش تقابل نظری، این پژوهش آشکار ساخت که نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، از نظر مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی، تفاوت‌های بنیادینی با دو جریان غالب مادی‌گرا شامل ماتریالیسم تاریخی مارکس و نظریه پایان تاریخ فوکویاما دارد. در ماتریالیسم تاریخی، محرک تاریخ تضاد طبقاتی و سرنوشت انسان را در چارچوب ساختارهای اقتصادی تعیین‌کننده می‌داند که درنهایت به نوعی جبر ساختاری منجر می‌شود. در اندیشه توحیدی، محرک تاریخ تقابل حق و باطل و غایت آن تحقق عدالت الهی و عزت مؤمنان است که در آن انسان موجودی مختار و مسئول است و آگاهی و ایمان او نقش تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سیر تاریخ دارد.

همچنین مقایسه با نظریه پایان تاریخ فوکویاما نشان داد که اگرچه هر دو دیدگاه، تاریخ را فرایندی هدف‌مند می‌دانند، اما غایت آن‌ها کاملا متضاد است. فوکویاما تکامل نهایی بشر را در تثبیت لیبرال دموکراسی سکولار می‌بیند؛ درحالی‌که اندیشه اسلامی مورد مطالعه، اراده الهی و کنش معنوی، موتور محرک تاریخ و غایت آن را در گسترش عدالت، معنویت و حاکمیت ارزش‌های الهی تعریف می‌کند.

درنهایت می‌توان نتیجه گرفت نظریه سنن تاریخی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از تبیین نظری منحصر در گذشته، منشور راهبردی برای آینده نگری و مدیریت بحران‌های کنونی بشمار می‌رود. این نظریه با ارائه مدلی که میان قوانین الهی و اختیار انسانی توازن ایجاد کرده و تاریخ را میدان تعامل فعال میان سنن الهی و اراده مؤمنانه معرفی می‌نماید، به جوامع اسلامی الگوی عینی، بومی و متناسب با مقتضیات محیطی و فرهنگی هر کدام به منظور مقابله با هژمونی فکری غرب ارائه می‌دهد. این رویکرد، با تأکید بر خودباوری، پایداری، بصیرت‌افزایی و اتکا به نیروهای درونی، مسیر تحقق وعده‌های الهی را نتیجه تلاش متعهدانه، برنامه‌ریزی دقیق و مقاومت آگاهانه محسوب می‌کند؛ ازاین‌رو بازخوانی و عمل‌گرایی بر اساس این سنن می‌تواند به عنوان رکن اصلی در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی و عبور از بحران‌های هویتی و سیاسی جهان معاصر مورد توجه قرار گیرد.

# فهرست منابع


* قرآن کریم

** نهج البلاغه

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (چاپ چهاردهم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۱۰/۴). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/2922

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۱۱/۱۳). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان). قابل دسترس در: https://khl.ink/f/2927

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲/۰۹/۰۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/3206

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۲/۱۱/۰۸). پیام به کنگره عظیم حج. قابل دسترس در: https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=122

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۰۹/۰۴). بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر. قابل دسترس در:https://khl.ink/f/10634

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/54897

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۰۶/۰۷). ولایت فقیه و رهبری (درس "چهارم" از جلد اول «رساله‌ی آموزشی» احکام و مسائل شرعی است که مطابق با فتاوای حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای می‌باشد). قابل دسترس در: https://khl.ink/f/27304

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/21890

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۶). تفسیر سوره مجادله. تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۰۱/۲۵). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/39394

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم با رهبر انقلاب. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/41393

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸). تفسیر سوره برائت. تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۰۸/۰۸). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/43866

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰). بیان قرآن: تفسیر سوره حشر. تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱). بیان قرآن: تفسیر سوره بقره. تهران: انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۱/۰۱/۰۱). سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/49886

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۳/۰۶/۰۴). بیانات مراسم عزاداری اربعین حسینی. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/57406

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. (۱۳۹۴/۰۸/۱۹). نگاهی به جایگاه تاریخ و ثمرات آگاهی نسبت به آن در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.https://khl.ink/f/31363

تأملی بر اظهارنظر فوکویاما در باب پایان تاریخ. (۱۳۹۷/۰۸/۲۰)، بازیابی از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: https://khl.ink/f/40865

باقری دولت‌آبادی، علی؛ کمالی‌زاده، محمد. (۱۴۰۰). مبانی نظری و شاخص‌های جامعه اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، صص ۴۵-۶۵.

توانا، محمدعلی. (۱۳۹۰). اسلام و نظریه پایان تاریخ. تاریخ اسلام در آیینه پژوهش، ۸(۳)، صص ۷۱-۸۵.

جعفری‌نژاد، مسعود؛ زارع، غلامحسین و شفیعی سروستانی، اسماعیل. (۱۳۹۹). نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۴(۵۱)، صص ۲۳۷-۲۵۶.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (امام خمینی). (۱۳۲۲). کشف اسرار. تهران: انتشارات آزادی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (امام خمینی). (۱۳۷۹). صحیفه امام (ج۷، ۱۰ و ۱۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (امام خمینی). (۱۳۹۰). ولایت‌فقیه (چاپ بیست‌وسوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀.

رضوی، سمانه؛ جوهری، محسن. (۱۴۰۱). سنت‌های الهی در دیدگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی). مطالعات قرآن و حدیث، ۱۶(۳۱)، صص ۱۵۵-۱۸۴. https://doi.org/10.30497/ghs.2022.243376.3631

رفیق، محمد؛ خیری، حسن. (۱۴۰۱). کارکردهای اجتماعی سنن الهی از دیدگاه مقام معظم رهبری سیدعلی خامنه‌ای﵀. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۳۹)، صص ۷-۳۹. https://doi.org/10.22081/jiss.2022.63946.1919

شاه بیگی، حامد. (۱۳۹۶/۳/۲۷). سنت‌های اجتماعی در قرآن از منظر امام خمینی﵀. پایگاه اطلاع رسانی رسمی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی﵀. کد مطلب: ۱۵۵۰۲۳.

طاهری، محمدمهدی. (۱۳۹۱). بصیرت دینی در اندیشه مقام معظم رهبری. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۵۶)، صص ۹۳-۷۷.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۱). بهترین دنیاها (مصاحبه مایکل لرین و بشاتریس لاروش با فوکویاما) (پرده دوم) (مترجم: فرامرز رستمی). سیاست بین‌الملل، (۱۷۶-۱۷۵)، صص ۴۰-۴۷.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۳). تاریخ بدون پایان (مترجم: علی محمد طباطبائی). مجله اقتصادی، ۴(۳۵-۳۶)، صص ۸۰-۸۳.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۹۰). آینده تاریخ (مترجم: اله کرم میرزایی). چشم‌انداز ایران، (۷۲)، صص ۹۴-۱۰۸.

فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۹۳). پایان تاریخ و واپسین انسان (مترجمان: عباس عربی و زهره عربی). تهران: سخنکده.

فوکویاما، فرانسیس؛ حجت، مهدی. (۱۳۸۳). آیا تاریخ دوباره آغاز شده است؟ بازتاب اندیشه، ۵(۵۵-۵۶) ، صص ۷۹-۸۰.

قاضیان، رحمت‌الله. (۱۳۹۴). نقد بر ماتریالیسم. قم: افق روشن.

کهوند، حامد. (۱۴۰۴). دلالت‌پژوهی سنن الهی و حکمرانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام. قم: نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قابل دسترس در: https://hemayesh.isri.ac.ir

مارکس، کارل؛ انگلس، فردریش. (۱۳۸۹). لودیگ فوئر باخ و ایدئولوژی آلمانی (مترجم: پرویز بابایی، چاپ چهارم). تهران: چشمه.

مارکس، کارل؛ انگلس، فردریش. (۱۴۰۰). نقد اقتصاد سیاسی (مترجم: منوچهر فکری). تهران: ژرف.

مهاجرنیا، محسن؛ کریمی‌خضرا، محمد. (۱۳۹۱). خاستگاه و مشروعیت نظام سیاسی صالح در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۳۱)، صص ۷-۲۴.

میار، یحیی؛ رمضانی، حسین علی. (۱۳۹۱). مؤلفه‌ها و کارکردهای بصیرت از نگاه امام خامنه‌ای در حوزه دفاع از ارزش‌ها. مطالعات راهبردی بسیج، ۱۵(۵۷)، صص ۵-۳۴.

میرچراغ خانی، حسین؛ معینی‌پور، مسعود. (۱۳۹۸). نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸(۲۸)، صص ۱۲۳-۱۵۴. https://doi.org/10.22054/qpss.2019.29939.1899

نراقی، یوسف. (۱۳۵۸). کارل مارکس و تحلیل ماتریالیستی تاریخ، نگین، ۱۵(۱۶۸)، صص ۱-۷.

یوسفی رامندی، رسول. (۱۳۹۹). طراحی الگوی راهبردی مدیریت بحران امنیتی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی). مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۷(۳۶)، صص ۷-۳۴.

Lichtheim, G. (1964). *Marxism: An Historical and Critical Study* (2 ed.). London: Routledge & Kegan Paul. OCLC 4553255

Marx, K. (1977). *A Contribution to the Critique of Political Economy*. Moscow: Progress Publishers.

Fukuyama, F. (2014, September, 24). Francis Fukuyama – Political Scientist. HARDtalk, BBC News.

https://subsaga.com/bbc/news/hardtalk/2014/09/24/francis-fukuyama-political-scientist.html